



حجت الاسلام
عید ابراهیم
رئیتی

سید محمد

معداء
اندیشکده
راهبردی

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



فهرست

- کار و درس و زندگی/۴
- دادستان جوان انقلاب/۶
- گره گشایی از کار ولی نعمتان انقلاب/۸
- بی تعارف، حتی با رئیس جمهور/۱۰
- کار بدون توقع/۱۲
- بالا تر از قانون!/۱۴
- رفع درد غربت/۱۶
- حق ستان/۱۸
- هدیه ویژه دادستان!/۲۰
- اتاق خدمت/۲۲
- یادش بخیر وقتی شما رئیس بودید/۲۴
- دستگیری به جای مچ گیری/۲۶
- توبیخ وزیر!/۲۸
- اشراف سازمان بازرسی بر عملکرد/۳۰
- مبارزه با فساد سازمانی/۳۲
- اصلاح از مجری/۳۴
- سه شنبه‌های مردمی/۳۶
- حق برای حق دار/۳۸
- دوران طلایی/۴۰



- از خانه دنیا تا منزل آخرت/۴۲
- از التهاب تا آرامش/۴۴
- پیکان رئیس سازمان بازرسی کل کشور/۴۶
- سرزنش ها گر کند خار مگیلان غم مخور/۴۸
- فراتر از یک دیپلمات/۵۰
- نماینده همه اهل سنت و شیعه/۵۲
- اول تحقیق بعد اقدام قاطع/۵۴
- در فکر آخرت/۵۶
- ژست عکاسی/۵۸
- در میان مردم/۶۰
- صفای طلبگی/۶۲
- یک آپارتمان قسطی/۶۴
- پیگیری شخصی/۶۶
- سازمان؛ قبل و بعد از سید ابراهیم/۶۸
- نظارت بر سازمان/۷۰
- طرح ترور/۷۲
- اصل شایسته سالاری/۷۴
- سید ابراهیم/۷۶
- پرکار همچون جوانان/۷۸
- متواضع و خاکی!/۸۰
- گرمی یک سلام/۸۲





خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
می فرمایند:

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى ﴿٦﴾ ... فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا
تَقْهَرْ ﴿٩﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾
آیا تو را یتیم نیافت و سپس پناه داد؟ (٦) ...
حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن (٩) و
سؤال کننده را از خود مران (١٠)
(سوره ضحی- آیات ٦ تا ١٠)

(فخر رازی در مقام بیان فلسفه یتیمی
رسول خدا چند نکته را ذکر کرده است.
از جمله اینکه:

خداوند او را یتیم کرد تا قدر یتیمان را
بشناسد و ادای حقوق ایشان کند و به
اصلاح حال آنان قیام نماید و اوضاعشان
را سامان بخشد.)

وصیت نامه الهی سیاسی حضرت امام
خمینی رحمه الله علیه

«توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای
مجلس از طبقه ای باشند که محرومیت و
مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را
لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند».





کار و درس و زندگی

پدرش از منبری های معروف خراسان بود. هنوز سید ابراهیم پنج سالش تمام نشده بود که درگذشت، اما پدر، دو پسر و دو دخترش را طوری تربیت کرده بود که با سختی آشنا بودند و نازپرورده نبودند. سید ابراهیم تابستان ها برای خودش کار و کاسبی راه انداخته بود؛ از دستفروشی در خیابان های منتهی به حرم امام رضا علیه السلام تا کار طاقت فرسا در مرغداری. بعدها که طلبگی را انتخاب کرد هم تابستان هایش را به کار می گذراند. خرج و مخارج خانه و پول کتاب های درسی اش را از این راه بدست می آورد. آن روزها زندگی کردن با ۵ تومان شهریه سخت بود. دیر به دیر می توانست برای مادر و خواهرش گوشت و برنج بخرد. هر از چند گاهی که حق الزحمه خوبی به دستش می رسید کمی گوشت می خرید و به خانه می برد.





پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:
«من ولیّی علی عَشْرَةَ کَانَ لَهُ عَقْلٌ أَرْبَعِینَ، وَ مَنْ
وَلِیُّ أَرْبَعِینَ کَانَ لَهُ عَقْلٌ أَرْبَعِمِائَةَ»؛

کسی که برای ده نفر مسئول می شود باید عقل
چهل نفر را داشته باشد و هر کس برای چهل
نفر ولی می شود باید عقل چهارصد نفر را
داشته باشد.

(نهج الفصاحه، ص ۷۲۷)

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی):
«هر کسی می آید، پایبند به انقلاب، پایبند
به ارزشها، پایبند به منافع ملی، پایبند به
نظام اسلامی، پایبند به عقل جمعی، پایبند
به تدبیر باشد.»

(بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۲/۱/۱)





دادستان جوان انقلاب

وقتی مسئولیت دادستانی کرج را به عهده گرفت فقط ۲۰ سال داشت. جوان‌ترین دادستان انقلاب بود آن هم در شهری مثل کرج. بسیاری از طاغوتی‌ها در کرج ملک و املاک داشتند. پاتوق بسیاری از ساواکی‌ها و ضد انقلاب هم کرج بود. با این حال سید ابراهیم جوان از پس مدیریت دادستانی به خوبی برآمد. آیت‌ا... قدوسی که آن روزها دادستانی کل انقلاب را به عهده داشت از عملکردش راضی بود، برای همین دادستانی استان همدان را همزمان به عهده‌اش گذاشت. سید ابراهیم با اینکه به ظاهر جوان بود اما عاقلانه تصمیم می‌گرفت و دچار احساسات نمی‌شد. همین ویژگی بود که نظر آقای قدوسی را جلب کرده بود.



امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«لا عقلَ كالْتَدبیر» ؛

هیچ عقلی مانند تدبیر نیست.


(نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

رئیس جمهور، هم باید کاری باشد، هم باید مردمی باشد، هم باید مقوام باشد، هم باید ارزشی باشد، هم باید باتدبیر باشد، هم باید پابند به قوانین و مقررات باشد - مجری قانون است - هم باید درد مردم را احساس کند، هم باید طبقات مختلف مردم را ببیند؛ اینها خصوصیات است که در انتخاب آن کسی که ما می‌خواهیم کلید اجرایی کشور را به او بسپریم، نقش دارد.

(بیانات در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات،

۱۳۹۲/۰۲/۱۶)





گره گشایی از کار ولی نعمتان انقلاب

تازه انقلاب شده بود و اقتصاد کشور رونق لازم را نداشت. عده ای هم از روستاها به شهرها آمده بودند و به دنبال کار بودند. پیاده روهای اصلی کرج پر شده بود از دست فروشهایی که عبور و مرور مردم را با مشکل رو به رو کرده بودند. سید ابراهیم این گره را باز کرد، امانه با دندان، بلکه با دست! دستور داد، جایی را برای دست فروشها پیدا کنند تا به آنجا منتقل شوند. با این کار هم زندگی و رفت و آمد مردم راحت شد، هم دست فروشهای مستضعف از کار بیکار نشدند. آن روزها امام به مسئولین سفارش کرده بود که اینها ولی نعمتان انقلاب هستند.





حضرت علی علیه السلام:

«لَوْ مَمَيَّزَتِ الْأَشْيَاءُ لَكَانَ الصُّدْقُ مَعَ الشَّجَاعَةِ وَ
كَانَ الْجُبْنُ مَعَ الْكِذْبِ»؛

هرگاه اشیاء از هم جدا شوند، صدق و راستی
در کنار شجاعت و ترس در کنار دروغگویی
قرار خواهد گرفت.»

(شرح فارسی غررالحکم، جلد ۵، صفحه ۱۱۸، حدیث
۷۵۹۷)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«یک عده‌ای در اوائل حکومت امیرالمؤمنین
آمدند که آقا شما این افرادی که تو
جامعه هستید - این متنفذین - یک مقداری
ملاحظه‌ی اینها را بکن و سهم بیشتری از
بیت‌المال به اینها بده، مخالفت اینها را
موجب نشو و دل‌هایشان را جلب کن! فرمود:
« أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ؟ » شما
میخواهید من پیروزی را به وسیله‌ی ظلم
برای خودم دست و پا کنم؟ «وَاللَّهِ لَا أَطُورُ بِهِ
مَا سَمَرَ سَمِيرٌ وَمَا أُمَّ نَجْمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا»؛
امکان ندارد امیرالمؤمنین با ظلم، با راه غلط
و خطا، با شیوه‌های غیر اسلامی دوست
برای خودش درست کند.»

(خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰)





بی تعارف، حتی با رئیس جمهور

مسئول دفتر رئیس جمهور پشت خط بود. سید ابراهیم بیست ساله، دادستان کرج، تلفن را برداشت. «شما فلانی را بازداشت کردید؟ رئیس جمهور دستور می دهد هر چه زودتر آزادش کنید». در ذهنش مرور کرد و یادش آمد این آقا تخلف سنگینی داشته و از نزدیکان رئیس جمهور است. بعد گفت: «به آقای بنی صدر سلام بنده را برسانید و بگویید این تصمیم دادستان و قاضی است و هیچ کس حق لغو حکم قاضی را ندارد». مسئول دفتر رئیس جمهور که عصبانی شده بود، با لحن تنیدی خطاب به او گفت: «شما می فهمید چه می گویند؟! این دستور رئیس جمهور است». او هم با آرامش همیشگی جواب داد: «این خواسته رئیس جمهور، دخالت در کار دادستانی است و قانون به ایشان چنین حقی نمی دهد». مسئول دفتر که از قاطعیت او عصبانی شده بود، بدون خداحافظی ارتباط را قطع کرد و بنی صدر هم دیگر پیگیر آزادی آن فرد نشد.



خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ
وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى
الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ
الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»؛

افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از
جهاد باز نشستند یا مجاهدانی که در راه خدا
با مال و جان خود جهاد کردند یکسان نیستند،
خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود
جهاد نمودند بر قاعدان برتری بخشیده و به هر
یک از این دو دسته (به نسبت اعمال نیکشان)
خداوند وعده پاداش نیک داده و مجاهدان را بر
قاعدان برتری و پاداش عظیمی بخشیده است.
(سوره نساء، آیه ۹۵)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«هر دوره خصوصیتی دارد و هر کدام از
مسئولان در دوره‌های گذشته کارهایی انجام
دادند. امروز ما احتیاج داریم که در کشورمان
تلاش و پیشرفت و رشد علمی و فناوری،
همراه با عدالت اجتماعی و مبارزه‌ی با فساد
باشد. آنچه برای رئیس‌جمهور آینده بسیار
مهم است، این است که با همه‌ی وجود در
پی کار و تلاش برای مردم باشد.»

(دیدار مردم کرمان، ۱۱/۰۲/۱۳۸۴)



کار بدون توقع

با وجود فضای رسمی دادستانی، فضایی صمیمی را به وجود آورده بود. به خاطر ویژگی های اخلاقی اش، دیگران به راحتی می توانستند رابطه برقرار کنند. هیچ کسی در سخت کوشی و دقت در کار قضایی به پای او نمی رسید. هر روز از صبح علی الطلوع سر کار حاضر می شد. ۱۸ ساعت کار کردن (آن هم کار پرمشغله ایشان) واقعاً دشوار بود. قلباً عقیده داشت که باید خودش را به سختی بیاندازد، تا یک گوشه از مملکت پا بگیرد. با اینکه دائماً سر و کارش با مجرم و متهم بود، در نهایت احترام و در عین حال با قاطعیت و قانونمداری، با آنها رفتار میکرد.





امام حسین علیه السلام در نامه خود به
کوفیان میفرماید:

« فَلَعَمْرِي ، مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ ، الْقَائِمُ
بِالْقِسْطِ ، الذَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ ، الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى
ذَاتِ اللَّهِ »؛

به جان خودم سوگند، امام و پیشوا کسی نیست
مگر آن که بر اساس کتاب خدا حکومت کند،
عدل و داد را بر پا دارد، پایبند دین حق باشد و
خود را وقف در راه خدا کند».

(منتخب میزان الحکمه، ح ۱۲۰۰۳۱۱)



مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«دولت به قانون اهمیت بدهد... مجلس، قوهی
قضائیه، دستگاههای گوناگون، باید قانون را
رعایت کنند؛ به آنها هم ما توصیهی این را
میکنیم، به شما هم توصیه میکنیم. قانون را
دقیق رعایت کنید... اگر چنانچه ما اینجا
قانون را در مسئلهای خاص شکستیم و عمل
نکردیم، صرفاً این نیست که یک قانون
نقض شده باشد؛ بلکه معنایش این است که
یک راهی، یک خطی باز شد که این خط،
دنباله خواهد داشت. کار قانون شکنی اینجوری
است. اینجا که قانون نقض شد، نقض قانون
یک فرصت تازهای پیدا کرد که به وسیلهی
دیگران انجام بگیرد. لذاست که به مسئلهی
قانون، خیلی اهمیت بدهید».

(دیدار با اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۰۶/۱۶)





بالا تر از قانون!

از طرف آقای خلخالی حکم داشتند تا با قاچاق مواد مخدر مبارزه کنند. سلاح داشتند و به هیچ قانون و رویه ای اهمیت نمی دادند. تحت عنوان دادگاه ویژه مبارزه با مواد مخدر جاده را می بستند، خودروها را می گشتند و هر کس را که می خواستند دستگیر و گاهی اوقات اجرای حکم می کردند. تعدادی از مسئولین نیز از آنها حمایت می کردند. اما سید ابراهیم جوان بر سر قانون با کسی تعارف نداشت. رفت خدمت آیت الله قدوسی برای شکایت. ایشان گفت که این مسئله در جاهای دیگر کشور هم به وجود آمده و قرار است با امام مطرح کند. سید ابراهیم اما گفت که قضیه کرج را شخصاً حل خواهد کرد. به محل تجمع آنها رفت و اسلحه‌شان را ضبط کرد و افراد متخلف را تحویل دادگاه انقلاب داد. آقای خلخالی زنگ زد برای بازخواست.

پرسید: «شما اقدام کردید به گرفتن اعضای این دفتر؟»

سید ابراهیم گفت: «بله!»

خلخالی با عصبانیت جواب داد: «بالا تر از تو هم نمی تواند این کار را انجام بدهد.»

سید ابراهیم با صدایی مطمئن و آرام گفت: «من این کار را کردم و شد و به بالا تر از ما هم سلام برسائید، اگر در کرج من مسئول هستم و نمی گذارم کار غیرقانونی انجام بشود.» این حرکت، شاید اولین مقابله جدی با اقدامات خودسرانه در کشور بود.



امام صادق علیه السلام فرمودند:

«المؤمنُ أخو المؤمنِ كالجسدِ الواحدِ إذا اشتكى شيئاً
منهُ وجدَّ ألمَ ذلكَ في سائرِ جسده...»؛

مؤمن برادر مؤمن است؛ مانند یک پیکر که
هر گاه عضوی از آن دردمند شود، اعضای دیگر
هم احساس درد کنند.

(سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۴۲-۲۴۳)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«خدمت به مردم، کار کردن برای مردم،
زحمت کشیدن برای مردم، امانت و پارسایی
را حفظ کردن و سخن حق را گفتن، همه‌ی
اینها در راه علی علیه الصلوة والسلام بودن
است.»

(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۲/۱۰/۰۶)



رفع درد غربت

کرج آن روزها شهری بود کوچک، در حاشیه تهران که جنگ زده های از خانه رانده و از تهران مانده، به آن پناه می آوردند. وضعیت نامناسب اسکان جنگ زده ها را که دید، با اینکه در حیطة وظایفش نبود و کسی از دادستان جوان شهر انتظاری نداشت، تصمیم گرفت برایشان کاری کند. آنقدر رفت و آمد و پیگیری کرد تا برای بسیاری از جنگ زده های آواره در کرج، خانه فراهم شد. احتمالاً جنگ زده های آن روز، هنوز از طلبه جوانی که پیگیر کارهای اسکان شان در شهر غریب بود، خاطرات خوشی دارند.





خداوند متعال دز قرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا
اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ
بِمَا تَعْمَلُونَ»؛

دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک
عدالت نکشاند، عدالت کنید که به
پرهیزکاری نزدیکتر است و از خدا بپرهیزید
که از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.
(سوره مائده، آیه ۸)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
«شاخص دوم [نظام نبوی و حاکمیت اسلام]،
قسط و عدل است. اساس کار بر عدالت و
قسط و رساندن هر حقی به حقدار بدون
هیچ ملاحظه است.»

(بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)





حق ستان

شایعه کرده بودند «وابسته رژیم شاه» است و باید اموالش مصادره شود. چندین خانه و ویلا در کرج داشت. یک کارخانه بزرگ هم داشت. عده ای از کارگانش راه افتاده بودند و به بهانه طاغوتی بودن می خواستند کارخانه را از چنگش بیرون بیاورند؛ کاری که در جاهای دیگر کشور هم انجام و باعث نابودی کارخانه ها شده بود. دلایلیش را که برای دادگاه اقامه کرد، سیدابراهیم حکم را برگرداند. اموال مصادره ای را پس دادند، بدون تعارف. چون پای «حق» در میان بود و دادستان جوان روی حق مردم، خیلی حساس بود.



حضرت علی علیه السلام میفرماید:

«يَا دُنْيَا يَا دُنْيَا إِلَيْكَ عَنِّي أَيْ تَعَرَّضْتَ أَمْ إِلَيَّ
تَشَوَّقْتَ؛ لَا حَانَ حِينُكَ هَيْهَاتَ غُرِّي غَيْرِي لَا حَاجَةَ
لِي فِيكَ قَدْ طَلَّفْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا فَعَيْشُكَ
قَصِيرٌ وَ خَطَرُكَ يَسِيرٌ وَ أَمَلُكَ حَقِيرٌ أَهْ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ
وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوْرِدِ»؛

«ای دنیا، ای دنیا! از من دور شو. آیا برای
فریفتن، خود را به من می‌نمایی! یا اینکه به من
مشتاق و شیفته شده‌ای؟ هرگز محبت تو در دل
من جای نمی‌گیرد، دیگری را بفریب، زیرا مرا
به تو نیازی نیست. ای دنیا من تو را سه طلاقه
کرده‌ام و امکان بازگشت به سوی تو نیست. چرا
که دوره‌ی زندگانی تو کوتاه، ارزش و منزلت تو
اندک و آرزوی بهره‌مندی از تو پست و حقیر
است. افسوس از کمی زاد و توشه، درازی راه،
دوری سفر و عظمت رستاخیز».

(نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار، ش ۷۷)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«افراد مسؤول در این نظام، باید دندان
لذایذ بی‌شماری را بکنند. از خیلی لذتها باید
بگذرند. کما اینکه می‌بینیم بحمدالله می
گذرند».

(دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۲/۰۳/۲۶)





هدیه ویژه دادستان!

آمده بود دادستانی و می گفت در جوانشهر کرج، چندین قطعه زمین ۴۰۰ متری دارد و می خواهد یکی از آنها را به دادستان بدهد تا با صلاحدید خودش، مبلغش را بین افراد نیازمند شهر، تقسیم کند. هرچه اصرار کرد سید ابراهیم قبول نکرد. یکی از معتمدین شهر را واسطه کرد تا سید ابراهیم را راضی کند، اما فایده نداشت. حتی گفت زمین را به دادستان می بخشم اما باز هم قبول نکرد. سید ابراهیم آب پاکی را روی دستش ریخت: «نه برادر! بهتر است بروید با کمیته امداد صحبت کنید. اگر من که در این شهر هیچ چیز ندارم و حتی شبها هم در دادسرا می خوابم این زمین را قبول کنم، هزار فکر نابجا در ذهن مردم می آید و دیگر نمی توانند به من اعتماد کنند.»



امام باقر علیه السلام درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند:

« وَ لَقَدْ وِلَى خَمْسَ سِنِينَ مَا وَضَعَ أَجْرَهُ عَلَى أَجْرَةٍ وَ لَا لِبِنَّةٍ عَلَى لِبِنَةٍ وَ لَا أَقْطَعَ قَطِيعاً وَ لَا أَوْرَثَ بَيْضَاءَ وَ لَا حُمْرَاءَ؛

(حضرت علی علیه السلام) پنج سال ولایت داشت. نه آجری بر آجری گذاشت و نه خشتی بر خشتی و نه دهی مالک شد و نه پول نقره یا طلا بجای خود گذاشت. (امالی الصدوق، ص ۲۸۱)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

شما اگر سرتاپای نهج البلاغه را نگاه کنید، میبینید آنچه که امیرالمؤمنین درباره‌ی بیرغبتی به دنیا، دل نبستن به دنیا، زهد در دنیا بیان فرموده است، از همه‌ی آنچه که در نهج البلاغه بیان کرده است، بیشتر است؛ این به خاطر همین است. والا امیرالمؤمنین کسی نبود که از دنیا گوشه‌گیری کند، انعزال از دنیا داشته باشد؛ نه، برای آبادی دنیا یکی از فعالترین آدمها بود؛ چه در زمان خلافت، چه بعد از خلافت، امیرالمؤمنین جزو کسانی نبود که کار نکنند، دنبال تلاش نروند... . پرداختن به دنیا و به طبیعتی که خدای تعالی در اختیار انسان گذاشته است، و اداره‌ی معیشت مردم، اداره‌ی امور اقتصادی مردم، فراهم کردن وسائل رونق اقتصادی، اینها همه کارهای مثبت و لازم و جزو وظائف فرد مسلمان و مدیران اسلامی است. امیرالمؤمنین یک چنین آدمی بود؛ اما خود او هیچ دلبستگی نداشت. این وضع امیرالمؤمنین و برنامه‌ی تربیت اخلاقی امیرالمؤمنین است.

(خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۷/۰۶/۲۹)



اتاق خدمت

داشت در اتاق ریاست سازمان بازرسی که تازه تحویل گرفته بود راه میرفت که پایش به پارگی موکت کف اتاق گیر کرد. سریع بلند شد و خودش را جمع و جور کرد و گفت: «این اتاق محل رفت و آمد مردم است، بگو بیایند موکت را بکنند و بردارند». یکی از همکاران پیشنهاد داد: بهتر است بگوییم بیایند اتاق را بازسازی کنند و موکت جدید هم بزنند».

سید ابراهیم به چشمانش خیره شد و با لحنی جدی گفت: «بچه های سازمان به نان شبشان محتاج هستند. آن وقت من بیایم این اتاق را بازسازی کنم؟!» ده سال بعد که سازمان را تحویل داد، کل ساختمان نو نوار شده بود مگر اتاق خودش؛ بدون موکت و کاملاً ساده.



امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه به مالک
اشتر می فرماید:

«فَلَا تُطَوَّلَنَّ إِحْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّ إِحْتِجَابَ الْوَلَاةِ
عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضَّيْقِ وَ قَلَّةٌ عِلْمٍ بِالْأُمُورِ وَ
الْإِحْتِجَابُ مِنْهُمْ يَقْطَعُ عَنْهُمْ عِلْمَ مَا إِحْتَجَبُوا دُونَهُ»؛

هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که
پنهان بودن رهبران، نمونه ای از تنگ خویی و
کم اطلاعی در امور جامعه می باشد. نهان شدن
از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان
پوشیده است باز می دارد.

(نهج البلاغه، نامه ۵۳)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«خط اصلی دوم، مردمی بودن است. مردمی
بودن در نظام جمهوری اسلامی، یک
شاخه‌ی اصلی است؛ یعنی رأی مردم، هویت
مردم، کرامت مردم، خواست مردم، از جمله‌ی
عناصر اصلی در نظام جمهوری اسلامی و این
بنای مستحکم است. رأی مردم تعیین کننده
است. نیازهای مردم، هدف اساسی دولتمردان
و نظام جمهوری اسلامی است. این نیازها،
هم نیازهای مادی است و هم نیازهای
معنوی و اخلاقی و روحی.»

(بیانات در مراسم هجدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام

خمینی(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۸۶)





یادش بخیر وقتی شما رئیس بودید

تازه ریاست سازمان بازرسی کل کشور را به عهده گرفته بود و دادستانی را تحویل داده بود که خبر دادند در دادگاه انقلاب حادثه‌های رخ داده و چند نفر شهید و زخمی شده‌اند. یکی از زخمی‌ها، حاج عباس شیرازی (مدیر انتظامات دادگاه انقلاب) در بیمارستان بستری بود. به ملاقاتش رفت. حاج عباس با دیدن او، سر حرف و گلایه‌اش باز شد: «شما در آن دوران هفته‌ای سه روز می‌آمدی صبحانه را با ما در انتظامات می‌خوردی و بعد به اتاقت می‌رفتی. اما از روزی که شما رفتی دیگر ما حتی معاون را هم نمی‌بینیم!»



امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
«مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ صَلَاةٍ إِلَى هُدًى فَقَدْ أَحْيَاهَا»؛
اگر فردی بتواند یک فرد را از راه گمراهی به
راه هدایت بکشاند، او را زنده کرده است.
(المحاسن، برقی، احمد بن محمد بن خالد ج ۱، ص ۲۳۲)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
ما بحمدالله در این زمینه هم مشکلی نداریم.
مسئولین کشور دلسوزند. ما همه‌مان بشریم،
همه‌مان انسانیم، خطاهائی میکنیم، اشتباهاتی
از ما سر میزند؛ لیکن اشتباهات همه‌اش قابل
جبران است. خوشبختانه مسئولین، مسئولین
دلسوزی هستند.

(بیانات در اجتماع مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹)



دستگیری به جای مچ گیری

سید ابراهیم در دوره طلایی سازمان بازرسی، رویکرد سازمان را از مچ گیری به هدایت و دستگیری تغییر داد. این تغییر رویکرد در همه ارکان سازمان جاری شده بود. یک نمونه بارزش، این بود که قبل از ارسال هر گزارش به نهادهای قضایی، مدیر مربوطه به سازمان دعوت می‌شد، در جریان جزئیات پرونده‌اش قرار می‌گرفت و اجازه داشت از خودش دفاع کند. اگر می‌توانست سازمان را قانع کند پرونده بایگانی می‌شد و به نهاد قضایی فرستاده نمی‌شد. همین عملکرد، نگاه نهادهای دولتی به سازمان را از عنصری خبرچین به دوستی خیرخواه و مصلح، تغییر داده بود.



امام علی علیه السلام می فرمایند:
«يَحْتَاجُ الْإِمَامُ إِلَى قَلْبٍ عَقُولٍ وَ لِسَانٍ قَتُولٍ وَ جَنَانٍ
عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ صَوُولٍ»؛

رهبر نیازمند سه چیز است: قلب اندیشمند و
متفکر، زبان گویا و دل پر جرأت و قاطع در برابر
اجرای حق.

(غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۶۱)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
«این حرکت پرتلاشی که همه ی دولت
بخصوص شخص آقای رئیس جمهور- نشان
می دهند، خیلی با ارزش است. «قانون
گرایی»، «شجاعت و قاطعیت در بیان و اعمال
آنچه که حق است».

(دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۵/۰۶/۰۶)





توبیخ وزیر!

مدت کوتاهی از آغاز به کارش در سازمان بازرسی نگذشته بود که با خبر شد یکی از بازرسان سازمان را در حال تهیه گزارش از وزارت بهداشت کتک زده اند. پانچ را به سینه بازرس کوبیده و زخمی اش کرده بودند. سید ابراهیم فوراً با وزیر بهداشت وقت تماس گرفت و او را احضار کرد. توضیح خواست و جایگاه سازمان را به او یادآوری کرد. وزیر قول داد که دیگر چنین اتفاقی تکرار نشود و تکرار هم نشد.



«فِي وِلَايَةِ وَالِي الْعَدْلِ وَوَلَاتِهِ إِحْيَاءُ كُلِّ حَقٍّ وَكُلِّ عَدْلٍ وَإِمَاتَةٌ كُلُّ ظُلْمٍ وَجَوْرٍ وَفَسَادٍ»؛

در ولایت والی عادل و فرمانداران او، هر عدل و هر حقی زنده می شود.

(تحف العقول، ص ۳۳۲)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«از جمله‌ی شاخصه‌ها، مسئله‌ی «مبارزه‌ی با فساد» است؛ فساد اداری و مالی، جزو بدترین عوارض است. این، از همان مواردی است که مراکز بین‌المللی تأیید کرده‌اند که در این یک سال و نیم اخیر، رتبه‌ی کشور در مبارزه‌ی با فساد بالا آمده است و در این زمینه پیشرفتهایی وجود داشته است. البته ما به این قانع نیستیم. بایستی فساد اداری و مالی و خیانت در امانتهای ملی در کشور ریشه‌کن شود. این به سرمایه‌گذارهای سالم ربطی ندارد؛ ما به سرمایه‌داران کشور - کسانی که میتوانند سرمایه‌گذاری کنند - توصیه میکنیم که وارد میدان سرمایه‌گذاری بشوند و طبق قانون کار کنند. بعضی این دو تا را با هم اشتباه میکنند. ما با فساد مخالفیم، با سوءاستفاده مخالفیم، با خیانت در امانت - که عمده هم از مسئولان و مأموران بخشهای گوناگون دولتی سر میزند - مخالفیم و معتقدیم باید مبارزه بشود. این مبارزه بحمدالله جدی است و شروع شده است، و باید توسعه پیدا کند و همه‌گیر شود».

(دیدار مردم گرمسار، ۱۳۸۵/۰۸/۲۱)





اشراف سازمان بازرسی بر عملکرد وزارت خانه ها

بعد از اینکه مقام معظم رهبری دستور داد با فساد اقتصادی مبارزه شود، سه سال متوالی، نمایشگاهی تشکیل داد و همه سازوکارهای اداری دستگاه‌های کشور را به نمایش گذاشت. اسمش را هم گذاشت نمایشگاه آسیب شناسی دستگاه‌های اداری کشور. هر وزارت خانه را در یک غرفه بزرگ به نمایش گذاشته بودند و اول هم خود وزیر را دعوت می کردند تا از نگاه سازمان بازرسی، وزارت خانه‌اش را ببیند. تمام مدیران عالی و میانی و کارشناسان ارشد آمدند از نمایشگاه دیدن کردند. همه می گفتند ما نمی دانستیم سازمان بازرسی اینقدر دقیق به دستگاه‌ها و وزارت خانه‌ها نگاه می کند. با این کار نگاه خیلی‌ها نسبت به سازمان بازرسی تغییر کرد. فهمیدند که سازمان بازرسی دنبال مچ گیری نیست، بلکه عیب شناسی می کند تا برای رفعش تلاش کنند.





حضرت علی علیه السلام می فرمایند:
«ثُمَّ تَفَقَّدُوا أَعْمَالَهُمْ وَابْعَثُوا الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ
الصَّدَقِ وَالْوَقَاءِ عَلَيْهِمْ»؛
ای مالک، در کارهای کارمندان کاوش کن
و چشم هایی را به عنوان بازرس که دارای
خصوصیات صداقت و وفاداری هستند بر آنان
بگمار.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
«بازرسی مسئله مهمی است. باید دائم
مشغول نگرش باشید و چشم شما داخل
دستگاه را ببیند؛ یک مدیر خوب این است».
(دیدار مدیران و مسئولان استان بوشهر؛ ۱۳۷۰/۱۰/۱۲)



مبارزه با فساد سازمانی

سید ابراهیم رئیسی به فساد موجود در سازمان تحت مدیریتش به شدت حساس بود. شیوه مدیریتی‌اش طوری بود که بخشی را برای نظارت درون سازمانی فعال می‌کرد. ابتدای انقلاب هم سازوکار ویژه‌ای را برای نظارت محسوس و غیرمحسوس بر قضات و کارمندان دادستانی انقلاب تدارک دیده بود. به محض ورود به سازمان بازرسی، مجموعه‌ای تحت عنوان نظارت داخلی ایجاد کرد. این حرکت ابتکاری، بعدها توسط رهبر معظم انقلاب تجلیل شد. در سمت معاون اولی قوه قضاییه هم اداره کلی برای نظارت بر طرح‌ها و دستورالعمل‌های قوه تاسیس کرد.



حضرت علی علیه السلام این گونه به مالک فرمان می‌دهد که:

«وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا، لَئِن بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ قِبَلِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا، لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ، ثَقِيلَ الظَّهْرِ، ضَعِيلَ الْأَمْرِ»

«با قاطعیت تمام بر رفتار زیر دستان خود مراقبت کن، مبادا آنان با سوء استفاده از نزدیک بودن به تو بر مردم و رعیت ظلم نمایند و مرتکب خیانت گردند»
(نهج البلاغه، نامه ۵۳)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«من همیشه به مدیران می‌گوییم، در گذشته هم گفته‌ام ... دائم مأموران و منتخبان خودتان را زیر نظر داشته باشید؛ دائم نگاه کنید و از اینها غافل نشوید. دیده‌اید که نگهبان‌ها در شب نورافکن‌هایی را دائم می‌چرخانند و گوشه‌ها را نگاه میکنند؛ شما هم همین‌طور باید به‌طور دائم امور را زیر نظر داشته باشید و نگاه کنید؛ بنابراین از کار کارگزارانتان غفلت نکنید. «ثم تفقد اعمالهم»؛ یعنی از کارهای اینها جستجو کن، ببین کار انجام می‌دهند یا نه؛ درست انجام می‌دهند یا نه؛ آیا تخلفی در کارهایشان وجود دارد یا خیر. «و ابعث العيون من اهل الصدق و الوفاء عليهم»؛ کسانی را که چشم و گوش تو هستند، بگمار تا کارهای اینها را نگاه کنند. «فأن تعاهدك فيالسّر لامورهم حدوة لهم على استعمال الامانة و الرفق بالرعية»؛ این موجب میشود که اینها بتوانند امانت را بیشتر حفظ کنند».

(بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷)





اصلاح از مجری

سازمان بازرسی در زمان مدیریت سید ابراهیم، نمایشگاهی برپا کرد با محوریت بررسی و آسیب شناسی فساد در سیستم اداری کشور. نمایشگاه، محرمانه بود و فقط مسئولین از آن بازدید می کردند. آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت، روز آخر که برای بازدید به نمایشگاه آمد، گفت «مغبون» شدم که امروز آمدم. می گفت کاش زودتر می آمدم و می دیدم. سید ابراهیم دنبال اصلاح ساختارهای فساد خیز کشور بود، اما انگار این اصلاح، باید از قوه مجریه شروع شود.



امام علی علیه السلام در نامه ای به فرماندار

مکه چنین می نویسد:

«وَلَا يَكُنْ لَكَ إِلَى النَّاسِ سَفِيرٌ إِلَّا لِسَانُكَ وَلَا
حَاجِبٌ إِلَّا وَجْهُكَ»؛

نباید میان تو و مردم، واسطه و سفیری جز
زبان و حاجب و پرده داری جز چهره ات باشد.
(نهج البلاغه، نامه ۶۷)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«مردمی بودن حکومت هم یکی دیگر از
ارزشهایی است که حاکمیت اسلام و معارف
اسلامی به این مملکت هدیه کرده است.
مردمی بودن، ارزشی بالاتر از انتخاب شدن
به وسیله مردم است. بعضی افراد ممکن
است در یک نظام دمکراتیک، به شکل
دمکراتیک هم انتخاب شوند، اما با مردم
رابطه‌ای نداشته باشند. اینها مردمی نیستند.
در کشور اسلامی ما، مردمی بودن یک ارزش
است.»

(دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۰۱)



سه شنبه‌های مردمی

سه شنبه هر هفته روز خاصی بود؛ روز دیدارهای مردمی. در بعضی از سه شنبه‌ها سید ابراهیم، میزش را به راهرو انتقال می‌داد و تا شب می‌نشست تا مردم بیایند و از مشکلاتشان بگویند و گاهی اوقات سرش فریاد بزنند! او هم با کمال آرامش آنها را مورد لطف قرار می‌داد و قول می‌داد کار آنها را پیگیری کند. واقعا تا آنجا که در توان داشت، پیگیری می‌کرد. گاهی تعداد این مراجعین به ۱۵۰ نفر در روز می‌رسید که با همه آنها با روی باز برخورد می‌کرد و حرف هایشان را می‌شنید.





حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک
اشتر نخعی:

«لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنْ
الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَّعِجٍ»؛

امتی که حق ضعیفان را از زورمندان باصراحت
و بدون خوف و ترس نگیرد، هرگز پاک نمی
شود و روی سعادت را نمی بیند.

(نهج البلاغه نامه، شماره ۵۳)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«امیرالمؤمنین از عمال خود هم مطالبه‌ی
عدالت میکرد؛ با اینکه آنها در حد
امیرالمؤمنین نبودند. پس تکلیف اجرای
عدالت بر دوش ما هم هست؛ باید دنبال
بکنیم. این چیزی است که مردم باید
بخواهند؛ باید فرهنگ عمومی ملت ما
شود. مردم ما باید بیشترین چیزی را که
میخواهند، عدالت و انصاف باشد؛ هم در امور
داخل کشور، هم در مسائل جهانی».

دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۷/۰۴/۲۶





حق برای حق دار

در یکی از دیدارهای مردمی به او گزارش دادند یکی از مدیران آموزش و پرورش با گزارش خلاف واقع بازرس سازمان، بدون هیچ تقصیری برکنار شده. آن قدر پیگیری کرد تا مشخص شد حق با مدیر برکنار شده بوده است. بازرس سازمان را برکنار و مدیر را به جایگاه قبلی اش برگرداند. سید ابراهیم رئیسی در هر منصبی که حضور داشت، رویه اش همین بود. حق را به حق دار می رساند. از سازمان بازرسی گرفته، تا دادستانی کل کشور و معاونت اول قوه قضاییه.



رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:
«مَنْ عَمَلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ»؛
اگر کسی بدون علم کاری انجام دهد، تباه سازی
او از سازندگی اش بیشتر خواهد بود.
(تحف العقول، ص ۴۷)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«از جمله‌ی شاخصه‌های مهم اصولگرایی، یکی
«اهتمام به علم و پیشرفت علمی» است. شما
ببینید چه زمانی در آغاز پیدایش اسلام گفته
شد که: «طلب العلم فريضة على كل مسلم و
مسلمة» یا «مؤمن و مؤمنة»؛ یعنی همان وقتی
که نماز و زکات و این چیزها آمد، طلب العلم
هم آمد؛ «اطلبوا العلم ولو بالعين» هم آمد.
من بارها تکرار میکنم، این به خاطر همین است
که جامعه، بدون علم نخواهد توانست آرمانهای
خودش را بالا بیاورد... علم موجب میشود که
شما بتوانید آن آرمانها، آن اهداف و آن خط روشن
و جاده‌ی روشنِ صراط مستقیمی را که در دست و
اختیار شماست، مطرح کنید و کسان بیشتری را
از بشریت، به آن هدایت کنید. علم نداشته باشید،
این امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین علم - که
وسیله‌ی رشد ملی، بشری، انسانی و اوج گرفتن
در محیط عام بشریت است - جزو چیزهای لازم
است و باید به این اهتمام داشته باشید».

(دیدار با اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۵/۰۶/۰۶)



دوران طلایی

سید ابراهیم همیشه دنبال این بود که خودش شناخت دقیقی از مسائل جاری در سازمان داشته باشد. برای همین اشرافش بر مسائل دستگاه‌های مختلف کشور شگفت‌آور بود. وقتی در جلسات هیات دولت شرکت می‌کرد، با چنان تسلطی از آسیب‌ها و گلوگاه‌های فساد در وزارت‌خانه‌ها صحبت می‌کرد که برخی از اعضاء می‌گفتند: رئیسی خودش یک پاور است.

این اظهار نظرهای کاملاً تخصصی و به جا آنقدر اثرگذار بود که رئیس‌جمهور وقت، علیرغم تفاوت سلیقه سیاسی، تعامل وسیعی با سازمان بازرسی را تعریف کرد و اکثر اوقات، نظرات، تذکرات و پیشنهادات سازمان را عیناً به وزارت-خانه‌های مربوطه برای پیگیری منتقل می‌کرد. به اعتراف همه متخصصان، دوره مدیریت سید ابراهیم رئیسی، دوران طلایی سازمان بازرسی کل کشور بود.





امام علی علیه السلام می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ
بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ»؛

خداوند عزوجل بر پیشوایان عادل واجب کرده که
سطح زندگی خود را با مردم ناتوان برابر کنند تا
فقرش را، فقرش برآشفته نکند.

(کافی(ط-الاسلامیه) ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۳)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«أفت بزرگ ما اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی است؛
فلان مسئول اگر اهل تجمل و اشرافی‌گری باشد،
مردم را به سمت اشرافی‌گری و به سمت اسراف
سوق خواهد داد... یکی از اساسی‌ترین کارها برای
اینکه ما جلوی اسراف را بگیریم این است که
مسئولین کشور، خودشان، کسانشان، نزدیکانشان
و وابستگانشان، اهل اسراف و اهل اشرافی‌گری
نباشند. ولین کار این است که ما مسئولین
کشور را، افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند،
ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از
درد مردم احساس درد کنند. این هم به نظر من
شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید؛ برسید؛ و به
آنچه که رسیدید و تشخیص دادید، با قصد قربت
اقدام کنید؛ با قصد قربت پای صندوق انتخابات
بروید و خدای متعال اجر خواهد داد.»

بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج،

۱۳۸۸/۰۲/۲۲



از خانه دنیا تا منزل آخرت

به سید ابراهیم پیش‌نهاد دادند
خانه راننده ی جمشید آموزگار (نخست
وزیر اسبق شاه) همراه با بخشی از
باغش که حدود ۸۰۰ متر می
شد، با قیمت ارزان بخرد ولی
قبول نکرد. معتقد بود مردم انقلاب
نکردند که مدیرانشان بروند در
خانه های اشرافی زندگی کنند.
برای همین عصرها، کارش
که تمام می شد راه می افتاد و
می رفت سراغ بنگاه های
املاک تا برای زن و بچه اش
خانه پیدا کند .

بالاخره به هر زحمتی بود، با پول
خودش خانه خرید. البته نصف
پول را قرض کرده بود و تا
مدت ها داشت قرض هایش را
صاف می کرد، آن هم زمانی که
یکی از آدم های شناخته شده قوه
قضاییه بود.





حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«الشَّجَاعَةُ نُصْرَةٌ حَاضِرَةٌ وَفَضِيلَةٌ ظَاهِرَةٌ»؛

شجاعت، نصرتی نقد و فضیلتی آشکار است.
(عیون الحکم و المواعظ) (لیثی) ص ۵۰، ح (۱۲۷۱)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«ما احتیاج داریم به اقدامات شجاعانه. با تردید، با تزلزل، با ترس و لرز نمیشود کارهای بزرگ را انجام داد؛ لازم است با شجاعت وارد شد. البته شجاعت به معنای بیگدار به آب زدن نیست. بررسیها باید انجام بگیرد، فکر صحیح باید بشود، وقتی به نتیجه رسیدیم، بدون تردید و تزلزل بایستی اقدام کنید».

(بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور،

۱۳۸۶/۰۴/۰۹)



از التهاب تا آرامش

بعد از قضایای ۱۸ تیر ۷۸ و شلوغی دانشگاه ها، دانشگاه صنعتی شریف سید ابراهیم را برای سخنرانی دعوت کرد. گفتند با محافظ بروید اما قبول نکرد. می‌گفت دانشگاه محفل علمی است و نباید با رویکرد امنیتی برخورد کرد. آن هم در اوج درگیری های دانشگاهی که بیشتر مسئولین جرات نمی کردند به دانشگاه ها بروند. وقتی رسید سالن اجتماعات دانشگاه پر شده بود. دانشجوها شعار نمی دادند ولی فضا ملتهب بود. آقای رئیسی رفت پشت تریبون؛ یکی سوالات را می خواند او جواب می داد، بعضی از دانشجوها هم شفاهی می پرسیدند. آقای رئیسی با آرامش به همه سوال ها جواب داد. تقریباً دو ساعتی طول کشید. آرامش آقای رئیسی و پاسخ های دقیق و روشنگرانه اش دانشجوها را هم آرام کرد.





حدیث: حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر فرمودند:

«فَأَمْلِكُ هَوَاكَ وَ شُحَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ
فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ
كَرِهَتْ»؛

هوای نفس را در اختیار گیر و از آنچه حلال
نیست بپرهیز؛ زیرا بخل ورزیدن به نفس
خویش، آن است که در آنچه دوست دارد یا
برای او خوشایند است، راه انصاف پیمایی»
(نهج البلاغه نامه، شماره ۵۳)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«آفت مسئولیت در یک نظامی که متکی
به آراء مردم و متکی به ایمان مردم است،
این است که مسئولین به فکر رفاه شخصی
بیفتند؛ به فکر جمع‌آوری برای خودشان
بیفتند؛ در هوس زندگی اشرافی‌گری، به این
در و آن در بزنند؛ این آفت بسیار بزرگی است.
امام خودش از این آفت بکلی برکنار ماند
و مسئولین کشور را هم بارها توصیه میکرد
که به کاخ‌نشینی و به اشرافی‌گری تمایل
پیدا نکنند، سرگرم مال‌اندوزی نشوند، با
مردم ارتباط نزدیک داشته باشند».

(بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۰)



پیکان رئیس سازمان بازرسی کل کشور

بعد از جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی در دانشگاه شریف از سالن بیرون آمد. چند نفر از دانشجویها خودشان را به همراهانش رساندند و پرسیدند: ماشین آقای رئیسی کو؟ گفتند: همین پیکان! دانشجویها با تعجب گفتند جدی؟! همین؟! باورش برایشان خیلی سخت بود. بعد چند نفر به کنایه از ماشین دیگر دولت مردان شعار دادند: «بیت المال حیا کن، مسئولانو رها کن!»، آن موقع، استاندار توبوتا کریسیدا داشت! موقع خداحافظی بحث عوض شد و شروع کردند به تعریف و تمجید از آقای رئیسی و روبوسی.





حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«أَفْضَلُ الْمُلُوكِ مَنْ حَسَّنَ فَعْلَهُ وَ نَيْتَهُ»؛

برترین حاکمان، کسی است که کار و نیت او
بهتر باشد.

(غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۴۰)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«معیار و فارق صلاح و فساد این است
که آیا ما آن کار را برای رضای خدا انجام
میدهیم، یا نه. بدیهی است زمانی که ما
میخواهیم کاری را برای رضای خدا انجام
بدهیم، وقتی این احساس از ما متمشی
میشود، که بررسی کرده باشیم و حُسن عمل
و مطلوبیت عمل را فهمیده باشیم، بعد آن را
برای رضای خدا انجام بدهیم. پس، در بطن
کسب رضای خدا، آگاهی و هشیاری و توجه
همه جانبه و تدبیر الهی مؤمن هست.»

(بیانات در دیدار مسئولان وزارت کشور، ۱۳۷۰/۰۹/۲۷)





سرزنش‌ها گر کند خار مگیلان غم مخور

فردای دیدار دانشجویی در دانشگاه شریف روزنامه ابرار آن موقع شیطنت و کم لطفی کرد و نوشت آقای رئیسی برای جلسه پرسش و پاسخ در خصوص سازمان بازرسی به دانشگاه رفته بود که دانشجوها با «شعار مسئولان حیا کنید، بیت المال رو رها کنید» ایشان را بدرقه کردند!

بعد از این ماجرا رفتم با مدیر مسئول روزنامه صحبت کردم. به او گفتم لاقلاً یه جو انصاف داشته باش؛ به قول امام حسین (علیه السلام) اگه دین نداری آزاده باش. جلو چشم من این اتفاقات افتاده؛ ماشین آقای رئیسی پیکان بوده و این شعارها در حمایت از آقای رئیسی بود.

او هم گفت یکی از بچه های ما شیطنت کرده است. بعد هم عذرخواهی کرد. من پس از آن رفتم پیش آقای رئیسی و ماجرا را تعریف کردم.

با آرامش گفت: «در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش‌ها گر کند خار مگیان غم مخور» و گفت: «ما عددی نیستیم؛ دیگران رفتن سینه سپر کردند و شهید شدند من یک بچه سرباز بیشتر نیستم، بگذار این را هم بگویند به کجا بر می خورد؟!»



خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛

بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که

نمی دانند یکسانند؟

(سوره زمر، آیه ۹)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«در این انتخابات سعی کنید ...

مردمان باایمان، بالیاقت، کاردان و امین را

انتخاب کنید و مراقب عملکرد آنها باشید».

(بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان،

۱۳۸۱/۱۲/۰۶)



فرا تر از یک دیپلمات

سید ابراهیم رئیسی در دوره ریاست آیت الله هاشمی شاهرودی بر قوه قضاییه، ۵ سال پشت سر هم در جمع سفرا و نمایندگان ایران در کشورهای خارجی درباره مسائل کلان جهانی سخنرانی می کرد. هر کدام از این افراد هم در حوزه روابط بین الملل برای خود رجلی به حساب می آمدند. با این حال، صحبت های او برای تعیین سیاست مناسب نسبت به مناطق مختلف جهان به حدی با واقعیت همخوانی داشت که همه حضار می گفتند: رئیسی این نکات را از کجا می داند؟





امام صادق علیه السلام خطاب به « زید بن حشام » می‌فرماید:

« ای زید، با مردم (اهل تسنن) با اخلاق خودشان معاشرت کنید، در مساجدشان نماز بگذارید و مریضان‌شان را عیادت کنید و در تشییع جنازه‌هایشان حاضر شوید و اگر توانستید امام جماعت یا مؤذن آن‌ها شوید، این کار را بکنید که اگر شما چنین عمل کردید خواهند گفت: اینان جعفری‌اند، خدا او را رحمت کند چه خوب اصحابش را تربیت کرده است و اگر این امور را ترک نمایید، خواهند گفت: اینان جعفری‌اند، خداوند جزایش را بدهد چه بد اصحابش را تربیت کرده است.»

(وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۳۰)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«شیعه و سنی، مردم بخش‌های مختلف کشور، طرفداران سلائق گوناگون سیاسی، همه باید بدانند ملت ایران با وجود این تنوعی که در مذهب و در قومیت و در اذواق و سلائق دارد، یک ملت است؛ یکپارچه است؛ ید واحد است. با همین ید واحده بودن است که میتواند از منافع خود، از هویت خود، از حیثیت خود در مقابل خشن‌ترین دشمنان دفاع کند و دشمن را به حول و قوه‌ی الهی به زانو در بیاورد.»

بیانات در دیدار مردم لار - ۱۳۸۷/۲/۱۹



نماینده همه اهل سنت و شیعه

سنی و شیعه ندارد؛ او تقریباً به تمام روستاهای خراسان جنوبی سر زده و با مردمانش نشست و برخاست داشته. برای همین است که تقریباً کل استان می‌شناسندش و رأی او در انتخابات خبرگان، از همان روز اول رقابت های انتخاباتی همیشه قطعی بوده و هست. در سرکشی هایش به روستاهای استان، بارها پیش آمده که اهل سنت به او اقتدا کردند و پشت سرش نماز خواندند. بس که قبول دارند آقا سیدشان را. اگر کمی دیرتر هم می‌رسید، بدون تأمل به امام جماعت اهل سنت اقتدا می‌کرد.





حضرت علی علیه السلام به زیاد بن ابیه،
جانشین فرماندار بصره نوشتند:

صادقانه به خداوند سوگند یاد می کنم،
اگر گزارش برسد که از غنایم و بیت المال
مسلمانان چیزی کم یا زیاد برداشته ای، آن
چنان بر تو سخت بگیرم که در زندگی کم
بهره و بینوا و حقیر و ضعیف شوی.

(نهج البلاغه، نامه ۲۰)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

«من اگر از کسی کوتاهی بینم و بفهمم
تقصیر داشته، اغماض نمیکنم. در مورد
مسئولان هم همیشه سفارش میکنم و
میگویم که اغماض نکنید».

(بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران)

نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴



اول تحقیق بعد اقدام قاطع

زمانی که آقای رئیسی کم و کسری در اموال آستان قدس را دید، مسئولین مربوطه را بازخواست کردند. چندماه هم به تیم تحقیقاتی فرصت داد که مدارک و اطلاعات موثقی پیدا کنند. آقای رئیسی نمی خواست بدون تحقیق و تهیه مدرک، وارد کار بشود و تیم قبل از خودشان بی حرمت بشوند. چند ماه صبر کردند. سیستم اطلاعاتی کار کرد؛ خود دست اندرکاران شرکت هم همکاری کردند و حرمت ها را نگه داشتند. اما وقتی به او گفتیم همه این تلاش هایی که کرده اید و تذکری که داده اید هیچ ثمری نداشته و شخص متخلف باید محاکمه شود، دیگر صبر نکرد. وقتی به یقین رسید اقدام قاطع کرد و کسی که سال ها در آستان قدس در بالاترین رده فعالیت می کرد را با دلیل و مدرک کافی به قوه قضاییه معرفی کرد.



حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«لَوْ شِئْتُ لَأَهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَّى هَذَا
الْعَسَلِ وَ لِبَابِ هَذَا الْقَمَحِ وَ نَسَائِحِ هَذَا الْقَرْوِ وَ
لَكِنْ هِيَاهُ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَفُودَنِي جَشَعِي
إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعَمَةِ»؛

اگر می خواستم می توانستم از عسل خالص و
مغز گندم و بافته ی ابریشم برای خود خوراک
و پوشاک تهیه کنم، اما هرگز هوا و هوس بر من
چیره نخواهد شد و حرص و طمع مرا به گزیدن
خوراک ها نخواهد کشید.

(نهج البلاغه، نامه ۴۵)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«در پی کسب محبوبیت نباشیم، دنبال
تمتعات دنیوی نباشیم، دنبال پرداختن به
اشرافی‌گری و تجملات نباشیم. ما مسئولین،
خودمان را حفظ کنیم؛ همچنان که این مرد
بزرگ خود را حفظ کرد. اگر ما اینجا دچار
اشتباه شویم، مصداق همان آیه‌ی شریفه
خواهیم شد که: «وَأَحْلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ *
جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ».

(بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)،

۱۳۹۱/۰۳/۱۴)



در فکر آخرت

آقای رئیسی اهل زد و بند و معامله نبود. همیشه بر اساس آنچه که بتواند در روز قیامت پاسخ بدهد، عمل می کرد. به دلیل موقعیت هایی که داشت، می توانست بدون تخلف، اموالی را به دست آورد ولی هیچوقت این کار را نکرد. شاید در دنیا هیچوقت جلویش را نمی گرفتند، اما همیشه به فکر آخرت بود. در دوران دادستانی مستاجر بود. مدتی بعد از ازدواج خانه ای در قم خرید و خانواده را به قم برد. وقتی سرپرست دادگاه انقلاب در اوین شد، خانواده را به تهران آورد و برای مدت کوتاهی در تجریش ساکن شد. بعد از آن هم به یک آپارتمان ساده بین خیابان فاطمی و حجاب رفت.





در اخبار قدسیه آمده است که خداوند
متعال می فرماید:

«الإِخْلَاصُ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِي أُسْتَوْدَعْتُهُ قَلْبَ مَنْ
أَحَبَّتُ مِنْ عِبَادِي»؛

اخلاص سری است از اسرار من؛ به ودیعت
می گذارم آن را در دل هر یک از بندگان خود،
که آن را دوست داشته باشم.

(معراج السعاده، ص ۶۱۳ به نقل از محجۀ البیضاء، ج ۸،
ص ۱۲۵)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
«هوشمندانه حرکت کنند، همراه با اخلاص.
واقعاً آن چیزی که اساس قضیه است،
اخلاص است.»

(بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری،
۱۳۹۰/۱۲/۱۸)





ژست عکاسی

آمده بود بازدید مناطق عملیاتی شلمچه. داشتیم قدم می زدیم که یکی از رفقا آهسته به من گفت: حاج آقا رو بکش به سمت سیم خاردارها تا بتونم یه عکس خوب خبری ازشون بگیرم. آقای رئیسی حرف هایمان را شنید. برای همین چرخید و راهش را عوض کرد.



امام صادق علیه السلام فرموده است:

«قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: الْخَلْقُ عِيَالِي، فَاحْبَبْهُمْ الَّتِي
الطَّفُّهُمْ بِهِمْ وَاسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ»؛

خدای عزوجل فرموده است: مردم خانواده و
عیال من اند، پس محبوب ترینشان نزد من
کسی است که نسبت به آنان مهربان تر و در
[برطرف کردن] نیازهایشان کوشا تر باشد.
(کافی، جلد ۲، ص ۱۹۹)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«مسئولان و زمامداران امور کشور، به تمام
معنی کلمه، با مردم مرتبط و متصلند. هم
از لحاظ عاطفی با مردم یکی هستند؛ یعنی
عواطف مردم، با مسئولان نظام جمهوری
اسلامی پیوند خورده است و به آنها محبت
می ورزند، و هم از لحاظ فکری، مرتبط با
مردمند».

(بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۶/۰۲/۰۶)



در میان مردم

ایام پیاده روی اربعین، در مرز مهران همراه آقای رئیسی بودیم. وقتی مردم متوجه حضورش شدند، آمدند سمت او. محافظان جلوی مردم را گرفتند و نمی گذاشتند جوان ها جلوتر بیایند. اولین باری بود که آقای رئیسی را اینقدر ناراحت می دیدم. به محافظ ها تشر زد و گفت با مردم کاری نداشته باشید.



حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«وَأَيُّكَ وَالْإِعْجَابَ بِنَفْسِكَ وَالثَّقَةَ مَا يُعْجِبُكَ
مِنْهَا وَحُبَّ الْأَطْرَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثَقِ فُرْصِ
الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ لِيَمْحَقَ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ
الْمُحْسِنِينَ»؛

از خودپسندی و اطمینان داشتن به چیزی که از
آن خوشت می آید و نیز از ستایش و تعریف
مردم برحذر باش؛ زیرا در این حالت ها شیطان
فرصتی می یابد و نیکی های نیکوکاران را محو و
نابود می کند.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«وَحُبَّ الْأَطْرَاءِ»؛ از علاقه‌ی به ستایش شدن
از طرف دیگران بر حذر باش. «فَأَنَّ ذَلِكَ
مِنْ أَوْثَقِ فُرْصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ لِيَمْحَقَ
مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِينَ»؛ این که
انسان دوست داشته باشد او را ستایش کنند،
از بهترین فرصتهای شیطان است که از آن
بهره می‌برد؛ می‌آید احسان محسنین را از
بین می‌برد؛ یعنی آن نیکوکاریها و زیباییها و
آرایش‌های معنوی و روحی را از شما سلب
میکند».

(بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷)



صفای طلبگی

سید ابراهیم از اول طلبگی هم با صفا و بی شیله پیله بود. آن موقع ها با او گاهی به جمکران می رفتیم؛ گاهی پیاده و گاهی هم با اتوبوس. روز به روز هم با هم مانوس تر می شدیم. دلیلش این بود که آدم پیچیده ای نبود. ال آنهم فرقی نکرده؛ چه در قوه ی قضاییه و چه در تولیت آستان قدس، هنوز هم ظاهر و باطنش یکی است. مسئولیت ها روی شخصیت ایشان اثری نگذاشته. هیچ وقت از موضع بالا با کسی برخورد نمی کند. گاهی هم اگر چیز می خواهد با شوخی و ادبیاتی دوستانه مطرح می کند و هیچ وقت به واسطه مسئولیت برای خودش شأنی قائل نبود.



امام علی علیه السلام:

«ان الله جعلني اماما لخلقه ففرض علي التقدير
في نفسي و مطعمي و مشربي و ملبسي كضعفاء
الناس»؛

خداوند مرا پیشوای خلقش کرده و واجب کرده
بر من که بر خود سخت بگیرم و در خوردن و
آشامیدن و لباس، مانند مستمندان باشم.
(الکافی، جلد ۱، ص ۴۱۰)

مقام معظم رهبری:

«این که ما این قدر روی ساده‌زیستی
مسئولان تکیه میکنیم، این برای همین
است که به مردم نشان بدهند برای خود
کیسه نمیدوزند و به فکر ثروت‌اندوزی برای
خودشان نیستند؛ این، مردم را امیدوار میکند
و اعتماد آنها را برمی‌انگیزد. خیلی فرق است
بین آن مسئولی که در دوران کوتاه مسئولیت
خود در فکر این است که یک آینده‌ی مالی
برای خود تأمین بکند؛ دائم به این طرف و
آن طرف دست می‌اندازد و چنگ میزند، شاید
بتواند آینده‌ی مالی و زندگی خودش را تأمین
کند، و آن انسانی که در دوران مسئولیت، اصلا
به فکر تنها چیزی که نیست، مسائل شخصی
است؛ اینها خیلی با هم تفاوت دارند.

(بیانات در دیدار مردم گرمسار، ۱۳۸۵/۰۸/۲۱)



یک آپارتمان قسطی

طبق اصل ۴۹ قانون اساسی، اختیار اموال بدون صاحب و مجهول المالک دست او بود. تمام این اموال حکم عام را داشتند و او اجازه دخل و تصرف در آنها را داشت. اما از مال دنیا فقط یک آپارتمان دارد که شراکتی و قسطی خریده؛ با یک زندگی عادی و معمولی مثل همه مردم.



امام باقر علیه السلام خطاب به عمر بن
عبدالعزیز فرمودند:

«افتح الباب و سهل الحجاب»؛

در را به روی مردم باز کن و دسترسی مردم را
به خودت آسان گردان.

(بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۳۴۶)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«از اول پیروزی انقلاب، امام تکیه‌ی
بر طبقات ضعفا را اصرار کردند، تکرار
کردند، توصیه کردند. تعبیر «پابرهنگان» و
«کوخ‌نشینان» جزو تعبیراتی بود که در کلام
امام بارها و بارها تکرار شد. به مسئولین
اصرار داشتند که به طبقات محروم برسید.
به مسئولین اصرار داشتند که از اشرافی‌گری
پرهیز کنند. این، یکی از توصیه‌های مهم
امام بزرگوار بود. ما نباید اینها را فراموش
کنیم.»

(بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره)،

۱۳۹۰/۰۳/۱۴)



پیگیری شخصی

پیام های مردمی که از طریق کانال تلگرام به دستش می رسید، دو بخش داشت. بخشی مربوط به درخواست مردم برای دریافت غذای حضرتی که به دستور او فیش غذا در اختیارشان گذاشته می شد و بخش دوم پیام های درخواست های خاص بود. خیلی از کسانی که دچار محرومیت و گرفتاری بودند و امیدشان از همه جا قطع شده بود به امام رضا علیه السلام متوسل شده بودند. از زنان سرپرست خانوار با فرزندان یتیم تا مردم که در به در دنبال کار می گشتند .

به مسئول کانال دستور داده بود این پیام ها را وارد سیستم اداری نکند تا یک وقت دیر رسیدگی نشود. خودش شخصا به تک تک آنها رسیدگی می کرد و آن قدر پی گیر بود تا مشکل حل شود.





حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک
اشتر نخعی:

«ثُمَّ أَسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى
اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَغِنَى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ
أَيْدِيهِمْ وَحُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّوْا
أَمَانَتَكَ»؛

پس روزی آنان را فراخ دار، که فراخی روزی
نیرویشان دهد تا در پی اصلاح خود بر آیند، و
بی نیازی شان بود تا دست به مالی که در اختیار
دارند نگشایند، و حجتی بود بر آنان اگر فرمانت
را نپذیرفتند یا در امانتت خیانت ورزیدند.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش
با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم
باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونی
فشارهای خباثت آمیز قدرتهای جهانی و در
شرایط دیگر، قابل حل است و کشور حرکت
رو به جلو را ادامه خواهد داد».

(دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر

انقلاب، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳)





سازمان؛ قبل و بعد از سید ابراهیم

سازمان بازرسی کل کشور را در حالی تحویل گرفت که گمنام و متروک بود و دولت اعتباری برای آنجا و کارکنان و بازرسانش قائل نبود.

سازمان حتی ساختمان و امکانات اولیه را هم نداشت. سیصد نیروی بازرس داشت که ماهی ۱۵ هزار تومان بیشتر حقوق نمی گرفتند. در سازمان برای این تعداد بازرس فقط ۱۵۰۰ میز بود که نوبتی پشت میزها می نشستند و گزارش کارشان را می نوشتند.

وقتی ده سال بعد سازمان را تحویل داد، رفاه و معیشت کارکنان تأمین شده بود. دیگر کسی نبود که نداند سازمان بازرسی چه نقشی دارد. مدتی بعد از رفتن او از سازمان، کارکنان به ساختمان جدید منتقل شدند. جایی که با همت و تلاش او ساخته شده بود ولی هرگز به عنوان رئیس سازمان بازرسی در آن پا نگذاشت.



امام علی علیه السلام می فرمایند:

«مِن أَمَارَاتِ الدَّوْلَةِ الْيَقِظَةُ لِحِرَاسَةِ الْأُمُورِ»؛

از نشانه های دولت، بیداری برای حراست و
نگهبانی از کارهاست.

(غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۴۱)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«من میخواهم به همه شما برادران و خواهرانی
که در این جا هستید و به همه کارمندان دولت
در سراسر کشور عرض کنم: در محیط کار، سعی
کنید از همه توان و استعداد و ابتکار خودتان
استفاده کنید. این، لازم است. از همه قدرت فکری
و عملی خودتان، در محیط کار استفاده کنید...
اگر همه آحادی که امروز در این دستگاه عظیم
دولتی مشغول کارند، از ابتکار و نیرو و اخلاص و
تواناییهای فکری و روحی خودشان استفاده کنند،
کار دولت، شتابانتر و بهتر و پیشرفتهتر، بیشتر و
متناسب با همان قدمهای بزرگی که امروز دولت
جمهوری اسلامی و نظام مقدس اسلامی در پیش
رو دارد، خواهد شد.»

(بیانات در دیدار کارمندان و کارکنان دولت، ۱۳۷۵/۰۶/۰۷)



نظارت بر سازمان

بعد از دیدار عمومی که رهبری با کارکنان سازمان بازرسی داشت، در ملاقاتی خصوصی، رهبری به او پیشنهاد داد در سازمان که مرجع عالی نظارتی است، از خودشان هم غافل نشوند و بخشی هم برای نظارت درون سازمانی راه بیاندازند تا به کار بازرسان و کارشناسان نظارت کند. سرش را پایین انداخت و گفت که شش ماهی است چنین بخشی در سازمان راه اندازی شده تا عملکرد نیروها به صورت نامحسوس ارزیابی شود و گزارش بخش مربوطه را به مقام معظم رهبری نشان داد. لبخندی روی لب های رهبری نشست و از این تدبیر به جا تشکر کرد.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنَّ يَعْلَمَ
اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرُ
لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛

ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما هستند بگو اگر خداوند خیری در دلهای شما بداند (و نیات نیک و پاکی داشته باشید) بهتر از آنچه از شما گرفته به شما می‌دهد، و شما را می‌بخشد، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

(سوره انفال، آیه ۷۰)

امام خمینی (رحمت الله علیه) در سخنرانی به مناسبت فاجعه انفجار در حزب جمهوری اسلامی به تاریخ ۱۳۶۰ / ۴ / ۹ فرمودند:

«من یک کلمه به برادران دادگاه و کسانی که رئیس زندان هستند و اشخاصی که زندانبان هستند می‌گویم و آن اینکه اینطور نباشد که یک جنایتی واقع شد، اینها آرامش خودشان را از دست بدهند و خدای ناخواسته با زندانیانی که الان هستند، ولو این زندانیان از همین گروه‌های فاسد باشند، با خشونت غیر انسانی عمل کنند. با آرامش و با احترام عمل کنند. لیکن دادگاه‌ها احکام را با دقت بررسی کنند و پرونده‌ها را بررسی کنند، آنها را بر محکمه‌ها بنشانند و ازشان استفسار کنند. با قاطعیت هر چه باید بکنند، عمل کنند...».



طرح ترور

منافقین داخل زندان شنیده بودند عملیات فروغ جاویدان شکست خورده. تصمیم گرفتند هر طور شده بزرگان دستگاه قضا را ترور کنند؛ حتی اگر با چاقوهای دست‌سازی باشد که در همان زندان و با ساییدن قاشق ساخته بودند. سید ابراهیم جزو اولین گزینه هایشان بود. خبر برنامه‌ی ترور خودش را که شنید، سکوت کرد. با وجود این رفتارهای منافقین، او دستور داده بود که اگر ذره‌ای ندامت در رفتار اعضای سازمان منافقین مشاهده شد، مشمول رافت اسلامی قرار بگیرند.





امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«وَلَيْسَ يُحِبُّ لِلْمَلُوكِ أَنْ يُفَرِّطُوا فِي ثَلَاثٍ: ... وَ اخْتِيَارِ
الصَّالِحِينَ لِأَعْمَالِهِمْ»؛

کوتاهی حاکمان در سه چیز پسندیده نیست: ... و
گزینش و انتخاب افراد صالح برای کارها.
(تحف العقول، ص ۳۱۹)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«یک جمله‌ی دیگر از این نامه‌ی مبارک (نامه حضرت علی علیه اسلام به مالک اشتر) این است: «ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ»؛ کارها و امور کارگزاران خودت را مورد توجه قرار بده. اول، انتخاب کارگزاران است؛ «فَاَسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِيَارًا»؛ با آزمایش آنها را انتخاب کن؛ یعنی نگاه کن بین چه کسی شایسته‌تر است. همین شایسته‌سالاری‌یی که امروز بر زبان ماها تکرار می‌شود، به معنای واقعی کلمه باید مورد توجه باشد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) هم در این جا به آن سفارش می‌کنند. «وَلَا تُؤَلِّهِمْ مَحَابَاةً وَأَثَرَةً»؛ نه از روی دوستی و رفاقت کسی را انتخاب کن، که ملاکها را در او رعایت نکنی - فقط چون رفیق ماست، انتخابش می‌کنیم - نه از روی استبداد و خودکامگی؛ انسان بگویند می‌خواهم این فرد باشد؛ بدون این که ملاک و معیاری را رعایت کند یا با اهل فکر و نظر مشورت کند



اصل شایسته سالاری

وقتی به ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شد، چند نفر از مدیران سازمان که گرایش های سیاسی مخالف او داشتند، نگران اخراج و برکناریشان بودند. اما او با علم به نگاه سیاسی آنها، در تمام ده سال ریاستش بر سازمان از توان آنها بهره برد. عملاً معتقد به شایسته سالاری بود؛ نه فقط در شعار!



رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَدَمَ قَوْمًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ
مِثْلَ عَدَدِهِمْ خُدَامًا فِي الْجَنَّةِ»؛

هر مسلمانی که به گروهی از مسلمانان خدمت
کند خداوند متعال به تعداد آنان، خدمتگزارانی
را در بهشت به او عطا خواهد کرد.

(الکافی، ج ۲، ص ۲۰۷)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«رئیس جمهوری که قدر مردم را بداند؛ با
مردم صمیمی باشد؛ برای مردم مجاهدت
کند؛ برای مردم کار و تلاش کند؛
ظرفیت‌های کشور را آن‌چنان به کار بگیرد
که مردم بتوانند از این ظرفیت‌ها در همه جا
بهره‌مند شوند».

(بیانات در دیدار مردم کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۱)



سید ابراهیم مردمی

هیچ وقت از مردم جدا نبود. چه در دوران طلبگی اش چه در دوران مسئولیتش. همیشه در اجتماعات مردمی و نماز جمعه و جماعت حاضر بود و همیشه هم با مردم بود. اطلاعاتش از مسائل کاری و مسائل جامعه از راه همین ارتباطات مردمی بود؛ نه فقط دستگاه های اطلاعاتی. در سازمان بازرسی یک روز در هفته را اختصاص داده بود به دیدارهای مردمی. مردم از قبل ثبت نام می کردند و سه شنبه ها برای بررسی مشکلاتشان دعوت می شدند. گاهی روزها تا ۱۵۰ نفر به دیدنش می آمدند. حرف همه را می شنید و تا جایی که از دستش بر می آمد مشکلاتشان را حل می کرد.





امام علی علیه السلام می فرمایند:

«طَاعَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَا يَحُوزُهَا إِلَّا مَنْ بَذَلَ الْجِدَّ
وَاسْتَفْرَغَ الْجَهْدَ»؛

به طاعت خدای سبحان دست نیابد مگر کسی
که تلاش کند و نهایت کوشش خود را به کار
گیرد.

(غررالحکم، ح ۶۰۰۹)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
«آنچه برای رئیس جمهور آینده بسیار مهم
است، این است که با همه وجود در پی کار
و تلاش برای مردم باشد».

بیانات در دیدار مردم کرمان ۸۴/۰۲/۱۱





پرکار همچون جوانان

در یکی از برنامه های سخنرانی آقای رئیسی کنار یکی از محافظان نشسته بودم. وقتی آقای رئیسی برای سخنرانی رفت پشت تریبون، به محافظ گفتم کاش یک صندلی می گذاشتید تا آقا سید نشسته سخنرانی کند. گفت: به سر و رو رویش نگاه نکن. فقط ریش هایش سفید شده؛ هنوز جوان هستند و پرشور. بعد با خنده گفت: ما از دست ایشان پیر شدیم؛ حاج آقا از ۵ صبح تا ۱۱ شب مشغول کار هست.



«ما مِنْ أَحَدٍ يَتِيهِ إِلَّا مِنْ ذَلَّةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ»؛

هیچکس نیست که تکبر ورزد، مگر بر اثر
خواری و حقارتی است که در خود می بیند.

(الکافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۳۱۲)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

«ما باید به درون خودمان نگاه کنیم:

«بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ»^۱؛ نقص ها،

مشکلات و کمبودهایمان را نگاه کنیم و

فربین نخوریم. این فربین خوردن، انسان را

در دام و گرداب غرور می اندازد. اگر انسان

خودش را بد برآورد کرد، آن وقت دیگر

نجات پیدا نمی کند».

(بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت،

۱۳۸۵/۰۶/۰۶)



متواضع و خاکی!

بیش از یازده سال بود که آقا سید ابراهیم را از نزدیک ندیده بودم. آخرین بار، سال ۸۴ در بیت آیت الله نوری همدانی با هم گپ و گفتی داشتیم.

دو سه روز پیش، دوباره او را دیدم؛ ولی این بار در کسوت متولی آستان قدس بزرگ و شریف. هیچ فرقی نکرده بود؛ جز سر و رویی که سپیدتر شده بود و نورانی تر! همان که بود مانده؛ مردمی، قبراق، خنده رو، پیگیر، گیرا و خاکی!

راستش را بخواهید نمی توانستم شادمانی ام را کتمان کنم. از اینکه تولیت حرم را با عمامه ای از سر برداشته، گوشه ای از حرم در حال اشک و مناجات می بینم. از اینکه مردم را با تولیت آستان، رو در رو و بدون حلقه های عریض و طویل حفاظتی می بینم. از اینکه می بینم مردم، بالاترین مقام مسئول در حرم را به چالش می کشند و نقد و قند خود را بی پرده به او می رسانند!



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب
به حضرت علی علیه السلام بر توجه به
زیردستان تأکید می‌کنند:
«ای علی، نخست نماز را بر پا دارید، و
از زیردستان خویش غفلت مورزید؛ نگذارید
برهنه و گرسنه بمانند و رضا ندهید که
دل تنگ و افسرده باشند.

(نهج الفصاحه، ص ۴۸)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
«باید روح برادری و تفقد از زیردست و ارزش
گذاری براساس ارزشهای معنوی رواج روز
افزون داشته باشد».

(پیام به چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر

نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۰/۰۶/۲۵)



گر می یک سلام

نیروهای بخش تعمیراتِ اتومبیل‌های سازمان بازرسی کل کشور، گمنام‌ترین نیروها بودند. کار و فعالیتشان زیاد بود، اما کمتر مورد توجه مسؤولین سازمان بودند. توقع زیادی هم نداشتند؛ به یک سلام و احوال‌پرسی هم راضی بودند، اما بالادستی‌ها آن را هم از ایشان دریغ می‌کردند. چند روزی از تحویل مسؤولیتش نگذشته بود که خواست با اتومبیل به دیدار رئیس وقت قوه قضائیه برود. در کنار اتومبیل او یکی از مکانیک‌ها با لباس فرم مخصوص مکانیکی که به تن داشت، مشغول تعمیر اتومبیلی بود. جلو رفت. سلام و احوال‌پرسی گرمی با او کرد و خدا قوت گفت. بعد هم سوار اتومبیل شد و رفت. هنوز مکانیک در بُهت برخورد رئیس جدید سازمان بازرسی کل کشور با خودش بود که همکارانش دوره اش کردند: «نگفته بودی با رئیس جدید نسبت فامیلی داری؟» مکانیک قسم خورد که اولین بار بوده که او را دیده، اما کسی زیر بار نمی‌رفت. مدت زیادی طول نکشید که بقیه مکانیک‌ها و نیروهای سازمان هم مهربانی رئیس جدید با نیروهایش را چشیدند.





سه اعمام

اتاق خدمت

داشت در اتاق ریاست سازمان بازرسی که تازه تحویل گرفته بود راه میرفت که پایش به پارگی موکت کف اتاق گیر کرد. سریع بلند شد و خودش را جمع و جور کرد و گفت: «این اتاق محل رفت و آمد مردم است. بگو بیایند موکت را بکنند و بردارند». یکی از همکاران پیشنهاد داد: بهتر است بگوییم بیایند اتاق را بازسازی کنند و موکت جدید هم بزنند».

سید ابراهیم به چشمانش خیره شد و بالحنی جدی گفت: «بچه های سازمان به نان شبشان محتاج هستند. آن وقت من بیایم این اتاق را بازسازی کنم؟!» ده سال بعد که سازمان را تحویل داد، کل ساختمان نونوار شده بود مگر اتاق خودش؛ بدون موکت و کاملاً ساده.



soada_ir

soada.ir2



soada.ir